

Comparing the Attitude Towards Spouse's Emotions Expression among Women with High and low Level of Emotional Intimacy

Negar Sadat Mirkazem 

M.A. in Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Asie Shariatmadar 

Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Kiomars Farahbakhsh 

Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Abstract

The attitude toward spouse's emotion expression is one of the possible factors affecting intimacy. This study intended to compare the attitudes toward spouse's emotion express among women with high and low level of intimacy. A qualitative approach with a descriptive phenomenological method was used in this study. The study population includes married women in Tehran 2021. Considering saturation principle and using a purposive sampling method, a sample of 20 individuals was selected. Data collection was done through semi-structured interviews and their analysis was done with the seven-step method of Colaizzi's phenomenological analysis. Data analysis led to seven main themes in each group. The main themes extracted from the group of high emotional intimacy were: "comprehensive and positive perspective", "flexibility", "belief in the role of self-agency",

* Corresponding Author: s_shariatmadar@yahoo.com

How to Cite: Mirkazem, N. S., Shariatmadar, A., Farahbakhsh, K. (2025). Comparing the Attitude Towards Spouse's Emotions Expression among Women with High and low Level of Emotional Intimacy, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 16(61), 1-32. DOI: 10.22054/QCCPC.2023.72543.3076

“necessity of facilitating conversations”, “necessity of determining common and private boundaries”, “necessity of regulating expressiveness” and “attitude dependent on emotion and its motivating factor”; The main themes extracted from the low emotional intimacy group included “negative and limited perspective”, “inflexibility”, “low self-confidence”, “role of rationality in managing emotion”, “non-expression of emotion as its absence”, “gender-related expectations” and “labels and expectations forming attitude”. Based on the results it seems that the differences in the attitudes of these two groups are often based on the degree of flexibility and realism towards spouse’s emotion expression and also considering one's own role in this regard.

Keywords: Emotion Expression, Emotional Intimacy, Phenomenological Study, Attitude.



مقایسه نگرش به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین

- نگار سادات میر کاظم  کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- آسیه شریعتمداری  * استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- کیومرث فرح بخش  دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

یکی از عوامل بالقوه اثرگذار بر صمیمیت، نگرش همسر به ابراز هیجانات است. پژوهش حاضر باهدف مقایسه نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین انجام شد. در این مطالعه از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده گردید. جامعه مورد پژوهش را زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند. نمونه شامل ۲۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظرگیری اصل اشباع انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل آن‌ها با روش هفت مرحله‌ای پدیدارشناسی کلایزی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به هفت مضمون اصلی در هر گروه منتهی شد. مضامین اصلی مستخرج از گروه با صمیمیت عاطفی بالا عبارت بودند از: «زاویه دید جامع و مثبت»، «انعطاف‌پذیری»، «باور به نقش عاملیت خود»، «ضرورت گفتگوهای تسهیل‌گرانه»، «ضرورت تعیین مرز مشترک و خصوصی»، «ضرورت تنظیم ابرازگری»، «نگرش وابسته به هیجان و عامل برانگیزاننده آن»؛ مضامین اصلی مستخرج از گروه با صمیمیت عاطفی پایین نیز شامل «زاویه دید محدود و منفی»، «انعطاف‌ناپذیری»، «خودناباوری»، «نقش عقلائی در مدیریت هیجان»، «عدم بروز هیجان به منزله فقدان آن»، «انتظارات وابسته به جنسیت» و «برچسب‌ها و انتظارات شکل‌دهنده نگرش» بودند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، به نظر می‌رسد که

* نویسنده مسئول: s_shariatmadar@yahoo.com

تفاوت‌های نگرشی این دو گروه غالباً مبتنی بر میزان انعطاف و واقع‌بینی نسبت به ابراز هیجانات همسر و نیز در نظرگیری نقش خود در این زمینه باشد.

کلیدواژه‌ها: ابراز هیجان، صمیمیت عاطفی، مطالعه پدیدارشناختی، نگرش.

مقدمه

نهاد خانواده با ازدواج زن و مرد شکل می گیرد. زوج‌هایی که رابطه سالم دارند یک جامعه سالم را به وجود می آورند (آقامیری و وزیری، ۲۰۱۹)؛ لذا کیفیت رابطه زن و شوهر یک مؤلفه مهم در خانواده است (سهیلی، زهراکار، اسدپور و محسن زاده، ۱۳۹۸). کیفیت رابطه می تواند از طریق چند سازه مورد بررسی قرار گیرد، یکی از این عوامل صمیمیت است (چیزوفسکا و همکاران، ۲۰۱۹).

اصطلاح «صمیمیت» اغلب برای نشان دادن احساس نزدیکی زن و شوهر در رابطه به کار می رود (برکوس و دنهام، ۲۰۱۷). مونیروزمان^۴ (۲۰۱۷) صمیمیت را به عنوان یک رابطه بین فردی نزدیک تعریف می کند که اعضا در آن رابطه از لحاظ جسمی و روانی به یکدیگر تعلق خاطر دارند؛ البته تعاریف متعدد نشان می دهد که صمیمیت یک مفهوم پیچیده و مبهم است و ابعاد و سطوح متعددی را دربرمی گیرد (کاریک، ۲۰۱۴؛ ون لانکولد، جیکوبز، تویسن، دویت و وربون، ۲۰۱۸). میلز و ترنبول^۵ (۲۰۰۱) دو سطح درون روانی^۶ و بین فردی^۷ را برای صمیمیت قائل هستند. از دیدگاه درون روانی، صمیمیت یکی از مهم ترین نیازهای بشر است (آقامیری و وزیری، ۲۰۱۹) که نقش مهمی در بهزیستی کلی فرد ایفا می کند (رویال، ۲۰۲۰). از لحاظ بُعد میان فردی، چنین استدلال می شود که صمیمیت اساس روابط تعهد آمیز زناشویی و از ضروریات زندگی مشترک است (فرهادی، صالحین، آقاییان، کرامت و طالبی، ۱۳۹۹). صمیمیت زوجین برای یک ازدواج سالم، مهم و ضروری است (رویال، ۲۰۲۰). خطیبی (۱۳۹۴) در مطالعه خود به بررسی عوامل مؤثر بر

^۱ Aghamiri, N. & Vaziri, S.

^۲ Czyzowska et al.

^۳ Berkos, K. M. & Denham, J.

^۴ Muniruzzaman, M. D.

^۵ Carrick, L. A.

^۶ van Lankveld, J., Jacobs, N., Thewissen, V., Dewitte, M., & Verboon, P.

^۷ Mills, B. & Turnbull, G.

^۸ intrapsychic

^۹ interpersonal

^{۱۰} Royal, C.

استحکام خانواده از نگاه زنان پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل عاطفی به عنوان دومین عامل مهم در تحکیم خانواده شناخته شده و صمیمیت زناشویی در ذیل این عوامل عاطفی قرار می‌گیرد.

تلاش‌های نظری متعددی جهت ارائه الگوهای صمیمیت انجام گرفته است؛ به عنوان - نمونه، شافر و اولسون^۱ (۱۹۸۱) در الگوی خود، هفت گونه صمیمیت را مطرح می‌کنند که عبارت‌اند از: صمیمیت تفریحی، زیبایی‌شناختی، فکری، اجتماعی، جنسی، معنوی و عاطفی. آن‌ها معتقدند صمیمیت عاطفی به معنای تجربه کردن نوعی نزدیکی در احساسات است که ابراز افکار و عواطف را دربرمی‌گیرد؛ لذا یک مؤلفه مهم در صمیمیت عاطفی، ابرازگری است. برخی از اصطلاحاتی چون خودافشایی و خودابرازگری نیز در این زمینه استفاده کرده‌اند. پرزل، وود و شیل^۲ (۲۰۲۰) خودافشایی را نوعی ارتباط کلامی متقابل در حوزه افکار، احساسات و اطلاعات شخصی تعریف کرده‌اند؛ بنابراین، ابراز هیجان^۳ یکی از ابعاد خودافشایی است که به صورت توصیف تجربه‌های هیجانی مثبت و منفی برای دیگران تعریف شده است (روان، ریس، کلارک، هیرش و بینک^۴، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل متعددی نظیر فرهنگ، جنسیت (حاتمیان، رسول-زاده طباطبایی، آزادفلاح و حسنی، ۱۴۰۱) و ترس از قضاوت منفی (هو، هنکوک و مینر^۵، ۲۰۱۸) در ابراز هیجان افراد نقش دارند که از میان آن‌ها می‌توان ترس از قضاوت منفی را به عنوان یک عامل مهم در نظر گرفت؛ لذا یکی از این عوامل به عناصر ارتباطی و بین فردی همچون واکنش‌های طرف مقابل مربوط است. بر اساس نظریه نفوذ اجتماعی^۶، هزینه/پاداش یکی از عواملی است که بر خودافشایی تأثیر بسزایی دارد؛ به عبارتی، هرچه یک نفر در تعامل با دیگری تقویت مثبت دریافت کند، بیشتر به افشای موارد شخصی و

^۱ Schaefer, M. T. & Olson, D. h.

^۲ Parnell, K. J., Wood, N. D., & Scheel, M. J.

^۳ emotion expression

^۴ Ruan, Y., Reis, H. T., Clark, M. S., Hirsch, J. L., & Bink, B. D.

^۵ Ho, A., Hancock, J., & Miner, A. S.

^۶ social penetration theory

محرمانه می‌پردازد؛ در نتیجه، ادراک فرد نسبت به نحوه پاسخگویی همسر^۱ در ابراز هیجانات او نقش دارد (باک، فولیاسو و هریس^۲؛ ۲۰۰۰؛ روان و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که افراد تمایل دارند هیجانات خود را به همسرانی ابراز کنند که به آسایش و خوشبختی آن‌ها توجه داشته (ون کولین، هیرش و کلارک^۳؛ ۲۰۱۸)، به گرمی پاسخ داده و آن‌ها را درک می‌کنند (مک کارسی، وود و هولمز^۴؛ ۲۰۱۷).

پاسخ‌های رفتاری به‌طور کلی از نگرش‌ها نشأت می‌گیرند (آلباراسین، ساندراجان، لوهمان، چان و جیانگ^۵؛ ۲۰۱۸) که در نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^۶ و عمل منطقی^۷ به این موضوع اشاره شده است (مایو، هادک و ورپلنکن^۸؛ ۲۰۱۸). عملکرد اصلی نگرش، هدایت رفتار می‌باشد (پراتکانیس، برکلر و گرینوالد^۹؛ ۲۰۱۴). ایگلی و چایکن^{۱۰} (۱۹۹۳) نگرش را به‌عنوان گرایش فرد برای ارزیابی موجودیتی خاص تعریف می‌کنند؛ بر این اساس، پاسخ‌های ارزشگذارانه به برخی موجودیت‌ها معطوف می‌شوند که هدف نگرش را شکل می‌دهند. با توجه به آنچه ذکر شد، ابراز هیجان نیز می‌تواند معطوف نگرش‌های طرف مقابل قرار گیرد.

برخی پژوهشگران به مطالعه ابراز هیجان و نگرش طرف مقابل به این ابرازگری پرداخته‌اند؛ برای مثال، الدسوکی، انگلیس و گروس^{۱۱} (۲۰۱۷) نشان دادند که قضاوت در مورد تنظیم هیجان، افراد را در نحوه پاسخگویی به شریک زندگی راهنمایی کرده و به شکل‌گیری تعامل آرام کمک می‌کند؛ لذا، سوگیری مثبت و منفی نسبت به الگوهای

^۱ Perceived Partner Responsiveness (PPR)

^۲ Baack, D., Fogliasso, C., & Harris, J.

^۳ Von Culin, K. R., Hirsch, J. L., & Clark, M. S.

^۴ McCarthy, M. H., Wood, J. V., & Holmes, J. G.

^۵ Albarracín, D., Sunderrajan, A., Lohmann, S., Chan, S., & Jiang, D.

^۶ theory of planned behavior

^۷ theory of reasoned action

^۸ Maio, G. R., Haddock, G., & Verplanken, B.

^۹ Pratkanis, A. R., Breckler, S. J., & Greenwald, A. G.

^{۱۰} Eagly, A. H. & Chaiken, S.

^{۱۱} Eldesouky, L., English, T., & Gross, J. J.

تنظیم هیجان از منظر کیفیت رابطه اهمیت دارد. مردم غالباً نسبت به هیجانات خاص نگرش متفاوتی دارند (فتوحی، میکائیلی، عطادخت و حاجلو، ۱۳۹۶). پراگر^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که نگرش قدرشناسانه نسبت به ابرازگری همسر، یکی از مؤلفه‌های صمیمیت است که به تبع آن رفتارهای خاصی نظیر گوش دادن به صحبت‌های همسر و پذیرش ابرازگری او در روابط صمیمانه به چشم می‌خورد. کلارک، ون کولین، کلارک-پولنر و لیمی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش خود بیان می‌کنند که طرفین رابطه در قیاس با افراد غریبه، انگیزه بیشتری دارند تا هیجانات خاصی را در فرد مقابل مشاهده کنند؛ برای مثال، ممکن است آن‌ها تمایل داشته باشند هنگامی که در کنار همسرشان هستند، نظاره‌گر احساس شادی و شفقت در وی باشند و مایل نباشند همسرشان را در حالی ببینند که از آن‌ها عصبانی است.

نگرش نسبت به ابراز هیجان در رابطه والد-فرزندی توسط گاتمن (۲۰۱۵) مورد بررسی قرار گرفته و او از اصطلاح «فراهیجان» برای اشاره به مجموعه‌ای از شناخت‌ها و احساسات سازمان‌یافته پیرامون هیجانات خود و دیگری استفاده کرده است. علیدوستی (۱۳۹۸) نیز در مطالعه‌ای به شناسایی نگرش‌ها و پاسخ‌های عاطفی مادران ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی فرزندان خود پرداخت و نشان داد که نگرش‌ها در سه طیف مادران حمایتی، غیرحمایتی و با پذیرش مشروط قابل بررسی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ازجمله محدودیت‌های پژوهش‌های پیشین این است که غالب مطالعات، نگرش نسبت به ابراز هیجانات را در رابطه والد-فرزندی مورد بررسی قرار داده‌اند و اکثر پژوهش‌های این حوزه در رابطه زوجین، متمرکز بر ادراک فرد از نحوه پاسخگویی همسر نسبت به ابراز هیجانات است (به عنوان نمونه، چوی و توما^۳، ۲۰۲۲؛ هوانگ^۴، ۲۰۲۲؛ میرکاظم، شریعتمدار و فرح‌بخش (زیر چاپ)). به عبارتی، تمرکز اصلی بر پاسخ‌های رفتاری بوده و نگرش‌های زیربنای این پاسخ‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستاست که کلارک و همکاران (۲۰۱۷) پیشنهاد می‌کنند مطالعات پیرامون نحوه نگرش و قضاوت در

^۱Prager, K. J.

^۲Clark, M. S., Von Culin, K. R., Clark-Polner, E., & Lemay Jr, E. P.

^۳Choi, M. & Toma, C. L.

^۴Huang

مورد هیجانات دیگران گسترش یابند.

با توجه به موارد مطرح شده، با وجود آنکه انجام پژوهش در حوزه عوامل مؤثر بر صمیمیت از جمله نگرش به ابراز هیجان همسر اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد، مطالعات انجام گرفته در این حوزه بسیار محدود بوده و پژوهش‌ها صرفاً به بررسی نگرش نسبت به ابراز هیجان در روابط والد-فرزندی پرداخته‌اند؛ لذا هدف مطالعه حاضر شناسایی و مقایسه نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بود.

روش

جهت انجام مطالعه حاضر، از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. جامعه پژوهش شامل زنان متأهل تهرانی در سال ۱۴۰۰ بود که حداقل پنج سال از زندگی مشترک‌شان سپری شده باشد. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰ نفر از این جامعه بود که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (از نوع شدت) انتخاب شدند. در اجرای این مطالعه از ابزارهای زیر جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید:

۱- پرسش‌نامه ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط^۱: این مقیاس توسط شافر و اولسون (۱۹۸۱) ساخته شد و حاوی ۳۶ گویه است که صمیمیت را در پنج بُعد عاطفی، اجتماعی، جنسی، عقلانی و تفریحی می‌سنجد. هر مؤلفه پرسش‌نامه، شش گویه را دربرمی‌گیرد که با مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای ارزیابی می‌شوند. در مطالعه حاضر صرفاً از گویه‌های مربوط به بُعد صمیمیت عاطفی (۱، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۵، ۳۱) استفاده شد. محدوده نمرات در هر بُعد ۳۰-۶ می‌باشد و نمرات بالاتر بیانگر صمیمیت بیشتر در رابطه با همسر است. شافر و اولسون (۱۹۸۱) پایایی هر بُعد از صمیمیت را به روش آلفای کرونباخ محاسبه کرده و در بازه ۰/۷۰ تا ۰/۷۷ گزارش کردند که در این میان پایایی زیرمقیاس صمیمیت عاطفی معادل ۰/۷۵ برآورد شده است. علوی، امان‌الهی، عطاری و کرای (۱۳۹۷) روایی همزمان این ابزار را قابل قبول و پایایی آن را از طریق روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای کل مقیاس و

۱. Personal Assessment of Intimacy in Relationship (PAIR)

زیرمقیاس صمیمیت عاطفی ۰/۹۱ و ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند.

۲- مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: در این روش چهارچوب کلی سؤالات از پیش مشخص می‌شود؛ لذا سؤالات اصلی توسط پژوهشگران با کمک پیشینه پژوهشی تدوین شد و جهت اعتباریابی در اختیار یکی از متخصصین این حوزه قرار گرفت. پس از اعمال اصلاحات لازم و نهایی شدن سؤالات اصلی، محققان اقدام به انجام مصاحبه نمودند. مصاحبه‌ها با تمرکز بر سؤالات محوری آغاز شده و به فراخور پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان جهت شفاف‌سازی و فهم عمیق پدیده مورد مطالعه سؤالات جزئی‌تری مطرح شدند. دو نمونه از سؤالات محوری مصاحبه عبارت بودند از: ۱- «نحوه ابراز هیجانش رو چطور ارزیابی می‌کنی؟» و ۲- «ترجیح میدی همسرت هیجانانش رو تو رابطه نشون بده یا نه؟ به چه دلیل؟»

جهت دعوت مطلعان بالقوه از درج فراخوان مجازی استفاده گردید. بیست و پنج نفر جهت شرکت در مطالعه داوطلب شدند که از میان آن‌ها ۲۲ نفر ملاک‌های ورود به پژوهش را احراز کردند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱- زندگی با همسر در زمان فعلی ۲- تمایل به شرکت در پژوهش ۳- کسب نمره ۱۵-۶ یا ۳۰-۲۱ در بُعد صمیمیت عاطفی پرسش‌نامه ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط. عدم همکاری مناسب در پیشبرد مصاحبه‌ها نیز به عنوان ملاک خروج از پژوهش در نظر گرفته شد. از میان افراد برگزیده، مشارکت‌کنندگانی که نمرات آن‌ها حداقل سه نمره پایین‌تر از میانگین (۱۵-۶) محاسبه شد، در گروه صمیمیت عاطفی پایین و افرادی که نمراتشان حداقل با اختلاف سه نمره بالاتر از میانگین بود (۳۰-۲۱) در گروه صمیمیت عاطفی بالا قرار گرفتند. در گروه اول با در نظرگیری اصل اشباع نهایتاً با نه نفر مصاحبه انجام شد و در گروه دوم نیز ۱۱ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. غالب مصاحبه‌ها به صورت تلفنی و مجازی انجام گرفته و ضبط صوتی شد که حدوداً بین ۹۰-۳۶ دقیقه زمان برد. هر مصاحبه پس از انجام بلافاصله پیاده‌سازی شده و مورد تحلیل واقع شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای پدیدارشناختی کلایزی انجام

گرفت. پژوهشگران پس از مطالعه مکرر و درک کلی صحبت مصاحبه‌شونده، عبارت‌های مهم را مشخص کردند. سپس به هریک از عبارات مشخص‌شده، برجستگی با عنوان مضمون فرعی اختصاص یافت که بیانگر مفهوم اصلی نهان‌شده در کلام شرکت‌کننده بود. پس از گردآوری مضامین فرعی، این مضامین بر اساس شباهت مفهومی مقوله‌بندی شدند و مضامین اصلی شکل گرفتند. مضامین اصلی مربوط به نگرش زنان در دو گروه با صمیمیت عاطفی بالا و پایین هریک به صورت جداگانه در ذیل یک مضمون هسته‌ای قرار گرفتند و در نهایت، توصیف کاملی از پدیده موردنظر حاصل شد. سرانجام، محققان اعتبار یافته‌های به‌دست‌آمده را با مراجعه مجدد به چند نفر از مشارکت‌کنندگان و صحبت پیرامون داده‌ها و طبقه‌بندی‌ها مورد ارزیابی قرار دادند. شایان توجه است که در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان ضمن آگاهی از اهداف پژوهش با رضایتمندی در مصاحبه‌ها شرکت کرده و در صورت عدم تمایل به ادامه حضور، حق خروج از پژوهش داشتند. همچنین داده‌ها با نام مستعار تحلیل و پس از تهیه گزارش، کلیه اطلاعات مصاحبه‌شوندگان حذف شد. این مطالعه در کمیته اخلاق دانشگاه علامه طباطبائی مورد بررسی و تأیید واقع شد (کد اخلاق: IR.ATU.REC.1400.033).

یافته‌ها

در گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا، میانگین سن و سنوات زندگی مشترک مصاحبه‌شوندگان ۳۴/۶ و ۱۲/۷ بود؛ همچنین انحراف معیار معادل ۹ و ۸/۶ به‌دست‌آمد. میانگین نمرات این گروه ۲۴/۹ محاسبه شد. در این سطح از صمیمیت، هفت نفر خانه‌دار و چهار نفر شاغل بودند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های این گروه منجر به شکل‌گیری یک مضمون هسته‌ای، هفت مضمون اصلی و ۳۶ مضمون فرعی گردید. مضامین به‌دست‌آمده در جدول ۱ نمایش داده شده که در ادامه به همراه گزیده‌ای از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان شرح داده خواهند شد.

جدول ۱. مضامین نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
زنان با صمیمیت عاطفی بالا در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت منعطف‌تر و واقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را نیز در شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها بیشتر به رسمیت می‌شناسند.	زاویه دید جامع و مثبت	چارچوب‌بندی مثبت شیوه ابرازگری همسر
		ابراز هیجان زمینه‌ساز کمک به ارتقا بهزیستی روانی همسر
		ابراز هیجان کمک‌کننده به حل مسئله
		ابرازگری همسر نشانگر صمیمیت موجود در رابطه
		اهمیت بروز هیجانات در بهبود کیفیت رابطه
		ابراز هیجان مثبت موجب استحکام خانواده
		تجربه هیجانات منفی زمینه‌ساز رشد
		نوسانات هیجانی رکن جداناپذیر زندگی
		نگاه سیستمی به نحوه تأثیرگذاری ابراز هیجانات
		چارچوب‌بندی مثبت رویداد برانگیزاننده هیجان منفی
	انعطاف‌پذیری	باور به ضرورت پردازش هیجان منفی پس از فروکش کردن آن
		پذیرش نحوه ابرازگری با گذر زمان
	باور به نقش عاملیت خود	باور به توانایی تغییر نحوه ابراز هیجان همسر
		ارزیابی واقع‌گرایانه رویداد برانگیزاننده هیجان
		همکاری در تنظیم هیجان به‌منابه مؤلفه مهم زندگی
		سهیم شدن در هیجانات مثبت و منفی همسر
		خویش‌داری در هنگام ابراز هیجان منفی موجب قوام زندگی
		پیشگیری از ایجاد هیجان منفی در همسر
	ضرورت گفتگوهای تسهیلگرانه	کاهش پیامدها از طریق گفتگو در مورد هیجان
		ثمربخش بودن بودن صحبت پیرامون مسائل هیجانی
		آسیب‌زننده بودن نشخوار ذهنی هیجان منفی
		پیامدهای منفی سرکوب هیجان
ضرورت تعیین مرز مشترک و خصوصی	ضرورت تعیین مرز مشترک و خصوصی	حساسیت به حالات هیجانی و لزوم همراهی با آن‌ها
		آگاهی از هیجانات همسر ضمن حفظ حریم شخصی
	ضرورت تنظیم ابرازگری	ارجحیت ابراز تدریجی بر انفجاری هیجان منفی
		رعایت اعتدال در ابرازگری

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		هیجان منفی متعادل کمک به بهبود عملکرد
		سازندگی ابراز هیجان منفی منوط به نحوه ابرازگری
		اهمیت خودآگاهی هیجانی در ابرازگری
		ضرورت مدیریت ابراز هیجانات (ابراز بدون رفتار نامناسب)
		نفی جابه‌جایی هیجان منفی
	نگرش وابسته به هیجان و عامل برانگیزاننده آن	واکنش به هیجان منفی بر اساس منبع آن (من/دیگری)
		پیامدهای منفی برانگیختن هیجان منفی همسر
		خالصانه قلمداد کردن هیجان تعلق
		نهی تجلی شرمندگی مرد در برابر خانواده
		مرد به‌مثابه تکیه‌گاه در مواجهه با هیجان منفی

مضمون اصلی اول: زاویه دید جامع و مثبت

اولین مضمون اصلی بدین معنا است که زنان با صمیمیت عاطفی بالا، نگرش مثبتی را نسبت به ابراز هیجانات، نحوه ابرازگری و عامل برانگیزاننده هیجان منفی اتخاذ کرده؛ همچنین معتقد بودند ابراز هیجانات پیامدهای مثبتی به همراه دارد. تعدادی از مشارکت‌کنندگان در راستای مضمون اصلی مذکور چنین گزارش کردند: «ابراز هیجان خیلی خوبه چون به رابطه رنگ می‌بخشه و بالاخره باعث شناخت و تأویل میشه و از سردی و سکوت و بی‌خبری جلوگیری میکنه» (۳۲ ساله؛ سنوات ازدواج ۷). «گفتم بیا بریم باغ چند روز بمونیم گفت باشه، من اینو حتی محبت میدونم. می‌تونست مثل خیلی از مردها بگه من سختمه. خیلی مستقیم نیست ابراز محبتش اما من خودمم فکر می‌کنم اینو بیشتر دوست دارم» (۳۵ ساله؛ سنوات ازدواج ۱۴).

مضمون اصلی دوم: انعطاف‌پذیری

زنان با صمیمیت عاطفی بالا با نگاهی انعطاف‌پذیرانه بر این باور بودند که در شرایط هیجانی منفی به دلیل ضعف قوه شناختی، محتمل است بازخورد نامطلوبی صورت گیرد؛ بنابراین، لازم است پاسخدهی تا بازیافتن آرامش خاطر و غلبه مجدد قوه شناختی به تعویق

افتد. به عبارتی، این گروه به نقش زمان در پاسخ‌دهی به ابراز هیجان همسر و پذیرش آن تأکید داشتند. به عنوان نمونه، یک خانم ۳۳ ساله با ۱۰ سال تجربه زندگی مشترک اظهار داشت:

وقتی عصبانیه تولحظه حرفی نمی‌زنم، میگم که شاید یه چیزی من بگم یه چیزی اون، بحث بالا بگیره ولی وقتی سکوت کنم شاید مثلاً با گفتن اون حرفا آروم بشه بعد چند دقیقه که آروم شد، بعد تازه میفهمه.

مضمون اصلی سوم: باور به نقش عاملیت خود

این گروه از زنان به نقش خود در اصلاح سبک ابرازگری شریک زندگی، کاهش هیجان منفی همسر و پیشگیری از آن واقف بودند. یک خانم ۳۸ ساله با تجربه ۱۹ سال زندگی مشترک توضیح داد: «در مورد عدم ابرازش من زیاد صحبت کردم باهاش و فک می‌کنم تأثیر بدی نداشته چون وقتی نگاه می‌کنم به اول زندگیمون می‌بینم همسرم خیلییی تغییر کرده و من خودمو خیلی دخیل میدونم». مشارکت‌کننده دیگری با ۳۳ سال سن و ۱۰ سال زندگی مشترک بیان کرد: «به نظرم یه جنبه مهم زندگی همینه؛ تو یه کاری می‌کنی که طرفت خوشحال بشه، از ناراحتی دور بشه، یه کاری می‌کنی که هیجانش مثلاً آگه عصبانیه، عصبانیتش رو کمتر کنی».

مضمون اصلی چهارم: ضرورت گفتگوهای تسهیلگرانه

مضمون اصلی مذکور نشان می‌دهد که به اعتقاد این گروه، صحبت پیرامون هیجانات و پردازش آن‌ها می‌تواند در بهبود حالات روحی و حل مسئله یاری‌رسان باشد و از رخداد پیامدهای منفی جلوگیری نماید؛ درحالی که سرکوب هیجان و نشخوار ذهنی نتایج منفی به همراه دارند. نمونه‌هایی از صحبت مشارکت‌کنندگان در ذیل این مضمون اصلی بدین شرح است: «یکم بیشتر دوست دارم در مورد اضطرابش حرف بزنه چون تو که دیدی هر وقت حرف بزنی حالت بهتره و راهکار من بهت کمک میکنه یا خیلی وقتا نمیکه بعد عواقب این نگفتن یه اتفاق بده دیگه میفته» (۳۵ ساله؛ سنوات ازدواج ۱۴). «آگه همسر

ناراحتیشو می گفت و حرفاشو می زد تو سالیان سال اینجوری تو خودش فرو نرفته بود که بره تو فاز افسردگی دیگه، خب واقعاً به نظر من این لازمه» (۵۰ ساله؛ سنوات ازدواج ۲۷).

مضمون اصلی پنجم: ضرورت تعیین مرز مشترک و خصوصی

زنان با صمیمیت عاطفی بالا تأکید داشتند همان طور که لازم است نسبت به نشانگان هیجانی همسر آگاه بوده و همراهی لازم را به عمل آورند، باید حریم شخصی او را نیز حفظ نمایند. برای نمونه، یک خانم ۵۴ ساله با ۲۹ سال زندگی مشترک توصیف کرد: «به نظرم حتماً باید هیجان ابراز بشه و تا اون جایی که بشه حتماً همراهی/م پشت سرش باشه». خانمی ۲۷ ساله با ۵ سال زندگی مشترک گفت: «وایلیش کنجکاوی می کنم ولی وقتی بینم که چند ساعته در مورد اون مسئله صحبت نکرده به این نتیجه می رسم که حتماً به چیزیه بین خودش و سعی می کنم خودمو بکشم عقب و فضایی رو مهیا کنم که تنها باشه».

مضمون اصلی ششم: ضرورت تنظیم ابرازگری

این گروه از مشارکت کنندگان بر این باور بودند که پیامدهای سازنده ابراز هیجانات منوط به سبک ابرازگری آنهاست؛ لذا لازم است تنظیم هیجان از جانب همسر صورت گیرد. به عنوان مثال، یکی از مشارکت کنندگان اشاره داشت:

بروز هیجان خیلی مهمه اینکه استرسش رو مطرح میکنه، خوبه تا مثلاً واکنش جسمانی پیدا نکنه اما خب نحوه بیانش مهمه اینکه مثلاً آدم تلاش کنه این استرسه با یه سری هیجانات منفی دیگه همراه نشه که طرف مقابل نتونه تشخیص بده، اینکه تو چه زمانی میخوای بروز بدی، اصن موقعیتش موقعیت مناسبی هست یا اینکه حال طرفت رو داری می بینی؟ (۲۶ ساله؛ سنوات ازدواج ۵).

مضمون اصلی هفتم: نگرش وابسته به هیجان و عامل برانگیزاننده آن

در گروه صمیمیت عاطفی بالا، نگرش زنان منوط به نوع هیجان و عامل برانگیزاننده آن متفاوت بود. یک خانم ۳۱ سال با تجربه ۱۰ سال زندگی مشترک این گونه توضیح داد:

«موقعی که از من عصبی باشه، خب قاعدتاً استرسم بیشتره چون می‌ترسم مثلاً رابطمون خراب بشه و نمیدونم از هم فاصله بگیریم ولی خب از دست کسی دیگه عصبانی باشه، اونجوری منطقم بیشتر کار میکنه». خانم دیگری ۲۵ ساله با تجربه ۵ سال زندگی مشترک اشاره کرد: «اینکه میگه شرمندتم که نتونستم اونو برات مهیا کنم، همش تو فکر اینم خدایا چیکار کردم که فکر میکنه من اونو دوست داشتم اما نشد...البته از بچگیم از پدرم پول نمی‌خواستم که مبادا به موقع نباشه و خجالت بکشه».

در گروه مقابل، زنان با صمیمیت عاطفی پایین، میانگین سن و سنوات ازدواج به ترتیب ۳۶/۷ و ۱۵/۷ بود؛ همچنین انحراف معیار معادل ۹/۸ و ۹/۲ گزارش شد. میانگین نمرات این گروه ۱۰/۳ محاسبه شد. در سطح پایین صمیمیت، یک نفر شاغل و هشت نفر خانه‌دار بودند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های زنان با صمیمیت عاطفی پایین منجر به شکل‌گیری یک مضمون هسته‌ای، هفت مضمون اصلی و ۳۳ مضمون فرعی گردید. مضامین حاصل از مصاحبه با زنان صمیمیت عاطفی پایین در جدول ۲ ارائه شده و در ادامه به همراه چکیده‌ای از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان شرح داده خواهند شد.

جدول ۲. مضامین نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی پایین

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
زنان با صمیمیت عاطفی پایین در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت انعطاف‌ناپذیرتر و غیرواقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را نیز در شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها تا حدودی نادیده می‌گیرند	زاویه دید محدود و منفی	ابرازگری همسر مسبب آشفتگی جسمی و روانی
		تلقی از بروز هیجان منفی به‌عنوان نشانه بی‌کفایتی
		هیجان منفی مانعی در مسیر رشد
		هیجان منفی متزلزل‌کننده رابطه زوجی
		عدم خلوص در ابرازگری هیجان تعلق
		ارزیابی منفی نحوه ابرازگری همسر
		به رسمیت شناختن هیجان منفی همسر به‌عنوان عامل تشدیدکننده
		همراهی با هیجان مثبت سلب‌کننده کنترل زندگی زناشویی
		پاسخ‌دهی به هیجان منفی موجب فرسودگی
	انعطاف‌ناپذیری	دست‌کم گرفتن عامل برانگیزاننده هیجان منفی

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		فقدان اهمیت هیجانات زودگذر
		روا نبودن ابراز هیجان منفی در برابر دیگران
		لزوم خودانگیختگی در ابراز محبت
		ضرورت همخوانی رفتار با تجربه هیجانی
		زایل شدن هیجان تعلق با تجربه هیجانی منفی
		انفعال موجب شدت نیافتن هیجانات منفی
		خودمحوری و انتظار واکنش هیجانی مشابه به موقعیت‌ها
		نگرش دوگانه به ابراز هیجان منفی خود و همسر
		منفعت شخصی تنها عامل همراهی با هیجانات
	خودناباوری	احساس بی‌کفایتی در حل هیجان منفی همسر
		مثمر‌تر واقع نشدن صحبت پیرامون هیجانات
		استناد به درون و خودسرزنشگری
	نقش عقلانیت در مدیریت هیجان	پاسخ عقلانی و استدلال موجب کاهش هیجان منفی
		پاسخ عقلانی به هیجانات موجب پردازش آن
	عدم بروز هیجان به‌منزله فقدان آن	عدم ابرازگری به‌منزله بی‌تفاوتی همسر
		عمل به وظیفه بعد از هیجان، نشان‌دهنده خاموشی آن
	انتظارات وابسته به جنسیت	نفی ظهور برخی هیجانات در مرد به‌منزله مرجع قدرت
		ضرورت مدیریت هیجانی در مرد
	برچسب‌ها و انتظارات شکل‌دهنده نگرش	ضرورت پیوستگی ابراز هیجان تعلق
		نفی انتقال فشار هیجانی به زندگی مشترک
		عبث بودن ابرازگری بدون حل مسئله
		پذیرش و همراهی هیجانی الفباگر نقش مادری
		ابراز هیجان به معنای زبان ریختن به همسر

مضمون اصلی اول: زاویه دید محدود و منفی

مضمون اصلی مذکور بدین معنا است که زنان در گروه صمیمیت عاطفی پایین نسبت به ابراز هیجانات، نحوه ابرازگری همسر و پاسخگویی به هیجانات او نگرش منفی داشتند. به‌عنوان نمونه، یک خانم ۲۷ ساله با تجربه هشت سال زندگی مشترک این‌گونه توضیح

داد: «چیزای خیلی کوچیک رو که خودش میتونه از پشش بریاد ولی مثلاً از بی‌عرضگی خودش که از دیگران این جووری ناراحت میشه و باعث ناراحتیش میشن...هرچی ناامیدیشو نشون میده، بیشتر به بی‌عرضگیش پی می‌برم». مصاحبه‌شونده دیگر با ۴۲ سال سن و تجربه ۱۶ سال زندگی مشترک بیان کرد: «نحوه محبتش نشونه آینه که به زن گرفته گذاشته سر طاقچه هوس رابطه جنسی کرد، بره خاکشو پاک کنه رابطه برقرار کنه دوباره تا نوبت بعد، نشونه ابزار».

مضمون اصلی دوم: انعطاف‌ناپذیری

زنان در صمیمیت عاطفی پایین، قادر نبودند تا از زاویه دید همسر به مسائل بنگرند و جهت ارزیابی هیجانات نیز یک سری بایدها و نبایدها را لحاظ می‌کردند؛ لذا در نگرش این افراد نوعی انعطاف‌ناپذیری مشهود بود. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان چنین گزارش کردند: «از نظر من خب ناراحتی باید مخفی بمونه؛ اصلاً آدم نباید همون لحظه تو جمع ناراحتیش رو نشون بده...باید تو تنهایی خود آدم بروز پیدا کنه» (۵۴ ساله؛ سنوات ازدواج ۳۱). «حتی بهش میگم که من گل دوست دارم، برام بخر اما این جووریم که دوست دارم خودش انجام بده؛ نینی اون کاری که خودش انجام داده برام لذتش بیشتره تا اینکه هی خودم بگم» (۲۷ ساله؛ سنوات ازدواج ۸).

مضمون اصلی سوم: خودناباوری

مضمون اصلی سوم حاکی از آن است که زنان با صمیمیت عاطفی پایین در حل هیجان منفی همسر، احساس بی‌کفایتی کرده و ابرازگری نامطلوب همسر را اسناددهی درونی می‌کردند. یک خانم ۳۸ ساله با تجربه ۱۷ سال زندگی مشترک اشاره داشت: «احساس می‌کنم مسبب یه سری اتفاقاتی که براش تو زندگی میفته و مشکلاتی که داره خودش و خودخواهی‌های خودش و عدم تصمیم‌گیری خودش الان میگم که خب از دست من دیگه کاری برنمید». خانمی با ۵۰ سال سن و تجربه ۳۱ سال زندگی مشترک بیان کرد: «ناراحت در مورد مسائل کاری و بدهی‌های زیاده...اصن چیزای سطحی اینو این جووری ناراحتش

نمیکنه. چیزای عمیق که می بینم کاری از دست من برنمیاد».

مضمون اصلی چهارم: نقش عقلانیت در مدیریت هیجان

زنان در این گروه به بار عاطفی هیجان بهای کمتری داده و سعی داشتند تا رنگ شناختی به آن ببخشند؛ لذا پاسخ عقلانی را عاملی در جهت کاهش هیجانات منفی و پردازش هیجانات می دانستند. نمونه ای از صحبت های مشارکت کنندگان بدین شرح است: «همسرم بیشتر هتل رو امن میدونه وقتی میترسه میگم مگه میشه شهر به این بزرگی یه اتاق نداشته باشه؟ هتل جا داشت میریم، نداشت تا صبح چرخ می خوریم، روز شه می گردیم. هی سعی می کنم ترسشو کم کنم» (۵۰ ساله؛ سنوات ازدواج ۳۱). «بین خودمون ناراحتی باشه همیشه سعی می کنم واضح توضیح بدم بهش مثلاً چرا این رفتارو انجام دادی، چرا اینجوری کردی و اینا. ایشون میزنن تو فاز عصبانیتو حق به جانبی و قهر» (۲۷ ساله؛ سنوات ازدواج ۸).

مضمون اصلی پنجم: عدم بروز هیجان به منزله فقدان آن

زنان با صمیمیت عاطفی پایین معتقد بودند عدم ابراز هیجان از جانب همسر بدین معنا است که هیجانات به تجربه درنیامده اند. خانم ۲۹ ساله با تجربه ۷ سال زندگی مشترک شرح داد: «خودش تا حالا احساس گناه نکرده، اصن خودش رو امامزاده صالح میدونه ایشون. نیومده بگه الان احساس گناه می کنم». مصاحبه شونده دیگر با ۵۰ سال سن و تجربه ۳۱ سال زندگی مشترک بیان کرد: «همسرم خیلی کوتاه مدت غمگینه، عزیزترین دوستش از دنیا رفت نهایتاً نیم ساعت غمگین بود بعدش خیلی منطقی پا شد صبحونش رو خورد، رفت سر کارهایی که در مورد این اتفاق باید انجام بده و وظیفشه».

مضمون اصلی ششم: انتظارات وابسته به جنسیت

نگرش زنان در گروه صمیمیت عاطفی پایین نسبت به هیجانات و نحوه ابراز آنها تا حدودی تحت تأثیر ادراک از نقش جنسیتی بود. به عنوان نمونه، خانمی ۵۰ ساله با تجربه ۳۱ سال زندگی مشترک اشاره کرد: «زن خیلی ظریف تره به کوچیک ترین چیزی ناراحت

میشه و بروز می‌ده ناراحتیشو و مرد قوی‌تره هم دیر ناراحت میشه هم باید دیر بروز بده یا مث زن سریع خوشحال نشه و واکنش خوشحالشو نشون بده». خانم دیگری با ۲۹ سال سن و تجربه ۷ سال زندگی مشترک چنین توصیف کرد:

مریض که میشه خودشو میزنه به مریضی که مامانش براش جا پهن کنه و خودشو شل کنه حتی به خودشم گفتم ول کن بابا، تو مردی من مرد میخوام بچه نمیخوام که! مگه تو دختری این لوس بازیایه! پاشو ببینم از این کارات خوشم نیامد.

مضمون اصلی هفتم: برچسب‌ها و انتظارات شکل‌دهنده نگرش

زنانی که صمیمیت عاطفی پایین را تجربه می‌کردند نسبت به ابراز هیجان همسر یک سری انتظارات نامعقول داشتند. آن‌ها همچنین به ابراز گری همسر و پاسخگویی به آن برچسب منفی می‌زدند. تعدادی از مشارکت‌کنندگان چنین توصیف کردند: «الان بیاد خونه استرس داشته باشه یا عصبی باشه بهش میگم برو بیرون، این رفتاراتو نیار تو خونه از دست من کاری برنمیاد» (۲۶ ساله؛ سنوات ازدواج ۶). «احساس می‌کنم انگار تا همین اواخر من براش نقش مادری رو داشتم که فقط همدلی کنم و پذیرای مشکلاتش باشم... الان به این نتیجه رسیدم که در برابر ریکشنش سکوت کنم و فقط شنونده باشم» (۳۸ ساله؛ سنوات ازدواج ۱۷).

جدول ۳. مقایسه مضامین مستخرج از نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت

عاطفی بالا و پایین

صمیمیت عاطفی پایین		صمیمیت عاطفی بالا	
مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین اصلی	مضمون هسته‌ای
زنان با صمیمیت عاطفی بالا در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت منعطف‌تر و واقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را نیز در	زاویه دید محدود و منفی	زاویه دید جامع و مثبت	زنان با صمیمیت عاطفی بالا در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت منعطف‌تر و واقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را نیز در
	انعطاف ناپذیری	انعطاف‌پذیری	
	خودناباوری	باور به نقش عاملیت خود	
	نقش عقلانیت در مدیریت هیجان	ضرورت گفت‌وگوهای تسهیل‌گرانه	
همسر به صورت انعطاف‌ناپذیرتر و غیرواقع‌بینانه‌تر عمل	عدم بروز هیجان به منزله فقدان	ضرورت تعیین مرز مشترک و	

صمیمیت عاطفی بالا		صمیمیت عاطفی پایین	
مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین اصلی	مضمون هسته‌ای
شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها بیشتر به رسمیت می‌شناسند.	خصوصی	آن	کرده و نقش خود را نیز
	ضرورت تنظیم ابراز‌گری	انتظارات وابسته به جنسیت	در شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها تا حدودی نادیده می‌گیرند.
	نگرش وابسته به هیجان و عامل برانگیزاننده آن	برچسب‌ها و انتظارات شکل‌دهنده نگرش	

ضمن مقایسه مضامین اصلی دو گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین چنین استنباط می‌شود که در گروه صمیمیت عاطفی بالا، زنان در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر واقع‌بینانه‌تر و منعطف‌تر عمل می‌کنند به گونه‌ای که این افراد غالباً ابراز هیجانات را امری طبیعی تلقی کرده و بر این باورند که ابراز متعادل هیجانات از سمت شریک زندگی پیامدهای مثبتی به همراه دارد. همچنین همسو با انعطاف‌پذیری بالا در این گروه، به نظر می‌رسد که زنان بر اساس نوع هیجان و عامل برانگیزاننده آن، نگرش متفاوتی را نسبت به ابراز هیجانات همسر اتخاذ می‌نمایند. در مقابل، زنان با صمیمیت عاطفی پایین در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر غیرواقع‌بینانه‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر عمل می‌کنند به نحوی که آن‌ها معمولاً نسبت به ابراز‌گری همسر (اعم از هیجانات مثبت و منفی) نگرش منفی داشته و از شریک زندگی خود در این زمینه انتظارات غیرمنطقی دارند. به علاوه، با توجه به انعطاف‌پذیری پایین در این گروه، به نظر می‌رسد که زنان مجموعه‌ای از الزامات را در ابراز‌گری همسر لحاظ کرده و منوط به نگاه جنسیتی خود برای ابراز‌گری شریک زندگی محدودیت‌هایی قائل هستند. مقایسه دو گروه مزبور همچنین نشان می‌دهد که در گروه صمیمیت عاطفی بالا زنان غالباً به عاملیت خود در چگونگی ابراز‌گری همسر باور داشته و صحبت پیرامون مسائل هیجانی را امری سودمند تلقی می‌کنند درحالی‌که در گروه صمیمیت عاطفی پایین، زنان معمولاً نقش و عاملیت خود را در ابراز‌گری همسر نادیده گرفته و به آن واقف نیستند. به علاوه، بعد فرهنگی ابراز‌گری چنین می‌نماید که زنان با صمیمیت عاطفی بالا احتمالاً ضمن اتخاذ نگاهی منتقدانه به فرهنگ موجود، نگرش خود

نسبت به ابراز هیجانات همسر را به نحوی سازمان‌دهی می‌کنند که تنها باورهای فرهنگی ارتقادهنده رابطه زوجی را درونی‌سازی کنند؛ به عنوان مثال، آن‌ها هنگام مواجهه با هیجانات منفی، همسر خود را به مثابه تکیه‌گاه تلقی می‌کنند تا به گونه‌ای نیاز به اقتدار مردان را ارضا نمایند. درمقابل به نظر می‌رسد که زنان با صمیمیت عاطفی پایین، فارغ از هر گونه بازنگری، فرهنگ موجود را در جهت منفی درونی‌سازی می‌کنند؛ به عنوان مثال، آن‌ها مردان را منبع قدرت می‌دانند و به تبع آن بروز برخی از هیجانات از جانب آقایان را مذموم می‌پندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش شناسایی و مقایسه نگرش به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بود. یافته‌ها نشان داد که در گروه صمیمیت عاطفی بالا، زنان در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت نسبتاً منعطف‌تر و واقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را نیز در شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها بیشتر به رسمیت می‌شناسند. در نتیجه تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در این گروه، هفت مضمون اصلی «زاویه دید جامع و مثبت»، «انعطاف‌پذیری»، «باور به نقش عاملیت خود»، «ضرورت گفت‌وگوهای تسهیل‌گرانه»، «ضرورت تعیین مرز مشترک و خصوصی»، «ضرورت تنظیم ابرازگری» و «نگرش وابسته به هیجان و عامل برانگیزاننده آن» به دست آمد. در ادامه به شرح و تبیین برخی از یافته‌های اصلی مطالعه حاضر پرداخته خواهد شد.

همان‌طور که ذکر شد، مشارکت‌کنندگان حاضر در گروه صمیمیت عاطفی بالا اغلب نگرش جامع و مثبتی نسبت به ابراز هیجان همسر داشتند. این یافته با نتایج مطالعات رولز، اسلتچر، ترومبلو و مک‌گین (۲۰۱۴)، پیرساقی، زهراکار، کیامنش، محسن‌زاده و حسنی (۱۳۹۶)، درخش، اصلانی و کرایبی (۱۳۹۸) و خدادادی‌سنگده، کلائی و گوهری‌پور (۱۳۹۹) همخوان است. درخش و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود نگرش مثبت را

به عنوان عاملی مؤثر در موفقیت و استحکام رابطه زوجی معرفی کرده و پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶) نیز توجه به جنبه های مثبت امور مختلف را شاخصه رابطه زناشویی کارآمد دانستند. همچنین خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۹) مثبت اندیشی را از جمله ویژگی های زوجین رضایتمند مطرح کردند. نظریه پائولا^۱ (۲۰۱۰) نشان می دهد که پاسخ گویی به ابراز هیجان منوط به معنای دریافتی می تواند متفاوت باشد. با استناد بر این نظریه به نظر می رسد نگرش مثبت زنان نسبت به ابراز هیجانات همسر، آن ها را به سمت پاسخ های سازنده سوق می دهد که در نتیجه آن، فضای امنی جهت بروز هیجانات مختلف فراهم می گردد؛ بنابراین، می توان چنین استنباط کرد که نگرش زنان بیش از صرف ابرازگری مردان می تواند در صمیمیت عاطفی نقش داشته باشد. زنان با صمیمیت عاطفی بالا الزاماً در ابتدا همسرانی ابرازگر ندارند بلکه محتمل است در طول رابطه، نگرش مثبت و نحوه پاسخگویی آن ها شرایطی را برای ابرازگری بیشتر همسر مهیا سازد؛ از سوی دیگر، در این گروه چنانچه ابراز هیجان توسط همسر به نحو مطلوبی صورت نگیرد، قاب گیری مثبت زنان در این حوزه احتمالاً می تواند به عنوان تسهیلگر در فرایند شکل گیری صمیمیت عاطفی عمل کند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که مشارکت کنندگان با صمیمیت عاطفی بالا غالباً با وجود آگاهی از حالات هیجانی همسر و همراهی با آن ها، قائل به حفظ حریم شخصی طرف مقابل هستند. یافته های این بخش با نتایج پژوهش های پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶)، سالاری زارع، گودرزی، زندی و کریمی ثانی (۱۳۹۸)، باقری، کیمیایی و کارشکی (۱۳۹۹) و حریری، اعتمادی و عابدی^۲ (۲۰۲۰) همسو می باشد. پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶) و سالاری زارع و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود یکی از مشخصه های رابطه زناشویی کارآمد را تمایز یافتگی و حفظ فردیت می دانند. تبیین این یافته طبق نظریه بوئن^۳ (۱۹۷۸) و مفهوم هویت زوجی (آرون و آرون^۴، ۱۹۸۶) این گونه می نماید که زنان در سطح بالای

^۱ Paula M.

^۲ Hariri, P., Etemadi, O., & Abedi, A.

^۳ Bowen, M.

^۴ Aron, A. & Aron, E. N.

صمیمیت عاطفی ضمن حفظ هویت شخصی و فردیت خود، هویت مشترکی را با شریک زندگی شکل می‌دهند. به عبارتی، زنان با صمیمیت عاطفی بالا احتمالاً در رابطه زوجی خود از تمایزیافتگی بالایی برخوردار بوده و بتوانند تعادل مطلوبی را بین نزدیکی و خودمختاری برقرار کنند که برای ایجاد یک رابطه سالم صمیمانه ضروری است (پاتریک، سلز، جوردانو و تولرود؛ ۲۰۰۷). به نظر می‌رسد زنان پیرو این تمایزیافتگی، علی‌رغم همراهی با همسر هنگام بروز نشانگان هیجانی به احتمال بالاتری به فردیت او احترام می‌گذارند؛ لذا گمان می‌رود مردان با اطمینان خاطر بیشتری به بروز نشانگان هیجانی پیرازند و از سوی دیگر، همراهی زنان در مواقعی که همسر مسائل هیجانی خود را به اشتراک می‌گذارد ممکن است مسبب افزایش میل به ابرازگری در مردان شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌های زنان با صمیمیت عاطفی بالا، الگوی خودباوری بود. یافته به‌دست آمده مشابه نتایج حاصل از پژوهش نوستینی، پاستورلی و منزینی^۱ (۲۰۱۳) و توکل، نیک‌بخت نصرآبادی، بهبودی مقدم، صالحی‌نیا و رضایی^۲ (۲۰۱۷) بود. این مؤلفه از دو منظر متفاوت قابل تبیین است. زنان با صمیمیت عاطفی بالا احتمالاً در طول رابطه منافع به دست می‌آورند؛ لذا گمان می‌رود جهت ارتقاء تجارب خوشایند و جبران رفتارهای مطلوب همسر به نقش عاملیت خود در تغییر و بهبود تجارب هیجانی همسر توجه بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر، محتمل است تأثیرپذیری شوهر از اقدامات همسر و مثرثمر واقع شدن افعال او موجب به وجود آمدن احساس خودباوری در زنان شده باشد.

در مقابل، یافته‌های حاصل از گروه صمیمیت عاطفی پایین نشان داد که زنان در نگرش خود نسبت به ابراز هیجانات همسر نسبتاً به‌صورت انعطاف‌ناپذیرتر و غیرواقع‌بینانه‌تر عمل کرده و نقش خود را در شکل‌گیری این هیجانات و ابراز و تعدیل آن‌ها تا حدی نادیده می‌گیرند. تحلیل داده‌های حاصل از این گروه به هفت مضمون اصلی «زاویه دید محدود و منفی»، «انعطاف‌ناپذیری»، «خودناباوری»، «نقش عقلانیت در مدیریت هیجان»،

^۱ Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.

^۲ Nocentini, A., Pastorelli, C., & Menesini, E.

^۳ Tavakol, Z., Nikbakht Nasrabadi, A., Behboodi Moghadam, Z., Salehiniya, H., & Rezaei, E.

«عدم بروز هیجان به منزله فقدان آن»، «انتظارات وابسته به جنسیت» و «برچسب‌ها و انتظارات شکل‌دهنده نگرش» منتج شد.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، زنان با صمیمیت عاطفی پایین اغلب نسبت به ابراز هیجانات همسر نگرش منفی داشتند. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش کیمز، دورتچی، کلیفورد، نپ و فینچام^۱ (۲۰۱۵)، علیزاده (۱۳۹۹) و رحیمی و ارشادی‌منش (۱۴۰۰) همسو می‌باشد. کیمز و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند که منفی‌نگری با کاهش کیفیت رابطه در ارتباط است. در تبیین این یافته می‌توان اشاره داشت که طبق نظریه نفوذ اجتماعی، خودابرازگری در رابطه زمانی تداوم می‌یابد که پاداش بیش از هزینه برآورد شود. زنان در این گروه غالباً نسبت به ابراز هیجانات همسر و پاسخگویی به آن‌ها نگرش منفی دارند؛ لذا احتمالاً در برابر ابرازگری همسر به نحو مطلوبی پاسخگو نبوده و فقدان تقویت به خاموشی نشانگان هیجانی می‌انجامد. از سوی دیگر، در این گروه چنانچه مردان هیجان خود را به شیوه مناسبی ابراز کنند، محتمل است چهارچوب بندی منفی زنان، اثرات مثبت افشاگری را از بین برده و پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نگرش زنان تا حدی متأثر از ادراک از نقش جنسیتی است. یافته‌های به‌دست‌آمده در راستای پژوهش سانتیاگو-منندز و کمپل^۲ (۲۰۱۳)، بارزوکي، توکل و بارج^۳ (۲۰۱۵) و ناموران گرمی، مرادی، فرزاد و زهراکار (۱۳۹۶) می‌باشد. سانتیاگو-منندز و کمپل (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که مردان به‌ندرت ترغیب می‌شوند هیجانات خود را ابراز نمایند. پژوهشگران نشان داده‌اند که عوامل متعددی نظیر فرهنگ، جنسیت و میزان قدرت، ادراک ما را نسبت به هیجانات شکل می‌دهند (کلتنر، ساتر، تریسی و کوئن^۴، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، می‌توان یافته مزبور را با استفاده از این سه عامل تبیین کرد. تاریخ نشان می‌دهد که فرهنگ ایران از گذشته نسبتاً مردسالار بوده و مردها قدرت بیشتری در دست داشته‌اند؛ لذا گمان می‌رود در این گروه،

^۱Kimmes, J. G., Durtschi, J. A., Clifford, C. E., Knapp, D. J., & Fincham, F. D.

^۲Santiago-Menendez, M. & Campbell, A.

^۳Barzoki, M. H., Tavakoll, M., & Burrage, H.

^۴Keltner, D., Sauter, D., Tracy, J., & Cowen, A.

زنان با وجود انعطاف‌ناپذیری و تحت تأثیر درونی سازی کردن فرهنگ مزبور، مردان را منبع قدرت تلقی کرده و بروز برخی از هیجانات را در آن‌ها نفی نمایند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش این‌گونه می‌نماید که بین نگرش نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین تفاوت‌هایی در سه حوزه واقعی، انعطاف-پذیری و در نظر داشتن نقش خود وجود دارد. با استناد به یافته‌های حاصل از پژوهش، به نظر می‌رسد به‌رغم مؤلفه‌های متعدد به‌دست آمده از هر گروه برخی عوامل در بین دو گروه مشترک بوده و عکس هم بیان شده‌اند که می‌تواند حاکی از اهمیت این مؤلفه‌ها در تدوین نگرش باشد. احتمال می‌رود پژوهش حاضر با کمک به درک بهتر و مقایسه نگرش‌ها در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین به گسترش دانش موجود در این زمینه بینجامد. قابل ذکر است که این مطالعه به دلیل استفاده از رویکرد کیفی، در تعمیم یافته‌ها با محدودیت مواجه است. به‌علاوه، رفتار دفاعی مصاحبه‌شوندگان هنگام صحبت در مورد دنیای پدیداری خود از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود یافته‌های حاصل در اختیار مشاوران قرار گیرد تا با به‌کارگیری آن‌ها بتوانند جهت ارتقا صمیمیت زوجین گام بردارند. همچنین پژوهشگران در تحقیقات آتی می‌توانند با استفاده از یافته‌ها، جهت سنجش نگرش‌ها ابزاری بسازند تا با کمک آن اقدامات لازم درمانی و پیشگیرانه توسط متخصصین صورت گیرد.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، مقاله فوق فاقد حمایت مالی و تضاد منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

از کلیه شرکت‌کنندگان که در این پژوهش مشارکت کردند، صمیمانه قدردانی می‌گردد.

ORCID

Negar Sadat Mirkazem



<https://orcid.org/0000-0003-1140-1371>

Asie Shariatmadar



<https://orcid.org/0000>

Kiomars Farahbakhsh



<https://orcid.org/0000-0003-2884-6465>

منابع

- باقری، فاطمه؛ کیمیایی، سیدعلی و کارشکی، حسین (۱۳۹۹). صمیمت زناشویی: نقش تعیین کننده تمایز یافتگی خود و نیاز به امنیت در زنان متأهل غیر بالینی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱ (۴۲)، ۲۶۱-۲۸۰. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.48598.2271>
- پیرساقی، فهیمه؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا؛ محسن زاده، فرشاد و حسنی، جعفر (۱۳۹۶). شاخص های ارتباط زناشویی کارآمد: یک مطالعه کیفی. *مشاوره کاربردی*، ۷ (۱)، ۱-۲۶. <https://doi.org/10.22055/jac.2017.22007.1464>
- حاتمیان، پیمان؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ آزادفلاح، پرویز و حسنی، جعفر (۱۴۰۱). درمان فراتشخیصی تنظیم هیجان متناسب با فرهنگ ایرانی. *نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت*، ۶ (۳)، ۵۲۹-۵۳۹.
- خدادادی سنگده، جواد؛ کلائی، اعظم و گوهری پور، مرتضی (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم: مبتنی بر بافت فرهنگی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱ (۴۱)، ۲۷-۶۰. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.41451.2129>
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۴). بررسی نگرش زنان نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده (پژوهشی در بین کارکنان زن دانشگاه های پیام نور استان همدان). *مطالعات زن و خانواده*، ۳ (۱)، ۵۹-۹۲. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2015.2196>
- درخش، علی؛ اصلانی، خالد و کرابی، امین (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *پژوهش نامه زنان*، ۱۰ (۲۷)، ۷۳-۹۷. <https://doi.org/10.30465/ws.2019.4030>
- رحیمی، روح اله و ارشادی منش، سودابه (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناسی مؤلفه های شناختی در تعارضات میان همسران شاغل (یک مطالعه کیفی). *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۲۰ (۱۰۱)، ۶۵۹-۶۷۲.
- سالاری زارع، زینب؛ گودرزی، محمود؛ زندی، فرزاد و کریمی ثانی، پرویز (۱۳۹۸). فراترکیب پژوهش های پیشین در راستای دستیابی به مؤلفه های ازدواج موفق در ایران. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۰ (۴): ۲۴-۳۶. <https://doi.org/10.30486/jsrp>
- ۲۰۱۹.۱۸۶۸۰۷۰.۱۸۲۳

سهیلی، نسیم؛ زهراکار، کیانوش؛ اسدپور، اسماعیل و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی بر کیفیت رابطه زناشویی پرستاران. *نشریه روان پرستاری*، ۷(۵)، ۷۲-۷۸.

علوی، سیده زهرا؛ امان الهی، عباس؛ عطاری، یوسفعلی و کرای، امین (۱۳۹۷). اثربخشی زوج‌درمانی متمرکز بر هیجان بر صمیمیت هیجانی و جنسی زوج‌های ناسازگار. *مشاوره و روان‌درمانی خانوادگی*، ۸(۲)، ۲۵-۴۶. <https://doi.org/doi.org/10.34785/J015.2018.002>

علیدوستی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی نگرش و پاسخ‌های رفتاری زنان ایرانی نسبت به ابراز هیجانات منفی کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

علیزاده‌نوق‌بهرمان، فاطمه (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی زوجین. *رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، ۳(۲)، ۱۱۹-۱۳۸.

فتوحی، سکینه؛ میکائیلی، نیلوفر؛ عطادخت، اکبر و حاجلو، نادر (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر فراهم‌یجان بر سازگاری و دلزدگی زناشویی در همسران دارای تعارض. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۳۹): ۴۵-۶۴.

فرهادی، افسون؛ صالحین، شهربانو؛ آقایان، شاهرخ؛ کرامت، افسانه و طالبی، سولماز (۱۳۹۹). اثربخشی واقعیت‌درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب بر صمیمت زناشویی و رضایت جنسی زنان تازه متاهل. *مجله مراقبت پرستاری و مامایی/ابن‌سینا*، ۲۸(۲)، ۸۳-۹۲. <http://dx.doi.org/10.30699/ajnm.28.2.83>

گاتمن، جان (۲۰۱۵). *علم عشق*. ترجمه هاشم پوریامهر. تهران: دانژه. میرکاظم، نگار سادات؛ شریعتمدار، آسیه و فرح‌بخش، کیومرث (زیر چاپ). مقایسه پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین. *نشریه علمی رویش روانشناسی*.

ناموران گرمی، کبری؛ مرادی، علیرضا؛ فرزاد، ولی‌اله و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۶). تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی. *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹(۳)، ۱۸۲-۱۹۴.

References

- Aghamiri, N., & Vaziri, S. (2019). Prediction of Psychological Well-being Based on Marital Intimacy, Resilience and Mental Health of Couples in Tehran. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*, 6(4), 203-209. <http://dx.doi.org/10.32598/ajnpp.6.4.6>
- Albarracín, D., Sunderrajan, A., Lohmann, S., Chan, S., & Jiang, D. (2018). The handbook of attitudes: The psychology of attitudes, motivation, and persuasion. New York: Routledge.
- Aron, A., & Aron, E. N. (1986). Love as the expansion of self: Understanding attraction and satisfaction. New York: Hemisphe.
- Baack, D., Fogliasso, C., & Harris, J. (2000). The personal impact of ethical decisions: A social penetration theory. *Journal of Business Ethics*, 24(1), 39-49. <https://doi.org/10.1023/A:1006016113319>
- Barzoki, M. H., Tavakoli, M., & Burrage, H. (2015). Rational-emotional 'divorce' in Iran. *Applied Research in Quality of Life*, 10(1), 107-122. <https://doi.org/10.1007/s11482-014-9303-9>
- Berkos, K. M., & Denham, J. (2017). Intimacy, marital satisfaction, and third party imagined interactions. *Imagination, Cognition and Personality*, 36(3), 312-330. <https://doi.org/10.1177/0276236616683897>
- Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. New York: psychiatric services.
- Carrick, L. A. (2014). Intimacy, distress, and couples satisfaction. Doctoral dissertation. The University of the Rockies.
- Choi, M., & Toma, C. L. (2022). An experiment on the effects of self-disclosure on perceived partner responsiveness and intimacy in zero-acquaintance relationships. *Communication Studies*, 73(3), 297-313. <https://doi.org/10.1080/10510974.2022.2084429>
- Clark, M. S., Von Culin, K. R., Clark-Polner, E., & Lemay Jr, E. P. (2017). Accuracy and projection in perceptions of partners' recent emotional experiences: Both minds matter. *Emotion*, 17(2), 196-207. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000173>
- Czyżowska, D., Gurba, E., Czyżowska, N., Kalus, A., Sitnik-Warchulska, K., & Izydorczyk, B. (2019). Selected predictors of the sense of intimacy in relationships of young adults. *International journal of environmental research and public health*, 16(22), 4447. <https://doi.org/10.3390/ijerph16224447>
- Eagly, A. H., & Chaiken, S. (1993). The psychology of attitudes. Fort Worth, TX: Harcourt, Brace, Jovanovich.
- Eldesouky, L., English, T., & Gross, J. J. (2017). Out of sight, out of mind?

- Accuracy and bias in emotion regulation trait judgments. *Journal of personality*, 85(4), 543-552. <https://doi.org/10.1111/jopy.12259>
- Hariri, P., Etemadi, O., & Abedi, A. (2020). Investigation of factors affecting the marital intimacy of veteran couples: a qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 9(3), 239-250. <https://doi.org/10.22062/jqr.2020.91516>
- Ho, A., Hancock, J., & Miner, A. S. (2018). Psychological, relational, and emotional effects of self-disclosure after conversations with a chatbot. *Journal of Communication*, 68(4), 712-733. <https://doi.org/10.1093/joc/jqy026>
- Huang, L. Y. M. (2022). The Influence of Emotion Sharing and Perceived Partner Responsiveness on Intimacy Relationship Satisfaction. *Journal of Psychological Science*, (1), 126.
- Keltner, D., Sauter, D., Tracy, J., & Cowen, A. (2019). Emotional expression: Advances in basic emotion theory. *Journal of nonverbal behavior*, 43(2), 133-160. <https://doi.org/10.1007/s10919-019-00293-3>
- Kimmes, J. G., Durtschi, J. A., Clifford, C. E., Knapp, D. J., & Fincham, F. D. (2015). The role of pessimistic attributions in the association between anxious attachment and relationship satisfaction. *Family Relations*, 64(4), 547-562. <https://doi.org/10.1111/fare.12130>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.
- Maio, G. R., Haddock, G., & Verplanken, B. (2018). *The psychology of attitudes and attitude change*. New York: Sage Publications.
- McCarthy, M. H., Wood, J. V., & Holmes, J. G. (2017). Dispositional pathways to trust: Self-esteem and agreeableness interact to predict trust and negative emotional disclosure. *Journal of personality and social psychology*, 113(1), 95. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pspi0000093>
- Mills, B., & Turnbull, G. (2001). After trauma: Why assessment of intimacy should be an integral part of medico-legal reports. *Sexual and relationship Therapy*, 16(3), 299-308. <https://doi.org/10.1080/14681990120064531>
- Muniruzzaman, M. D. (2017). Transformation of intimacy and its impact in developing countries. *Life Sciences, Society and Policy*, 13(1), 10. <https://doi.org/10.1186/s40504-017-0056-8>
- Niedenthal, PM., Mermillod, M., Maringer, M., & Hess, U. (2010). The Simulation of Smiles (SIMS) model: Embodied simulation and the meaning of facial expression. *Behavioral and Brain Sciences*, 33(06),

- 417–433. <https://doi.org/10.1017/S0140525X10000865>
- Nocentini, A., Pastorelli, C., & Menesini, E. (2013). Self-efficacy in anger management and dating aggression in Italian young adults. *International Journal of Conflict and Violence (IJCIV)*, 7(2), 274-285. <https://doi.org/10.4119/ijcv-3024>
- Parnell, K. J., Wood, N. D., & Scheel, M. J. (2020). A gratitude exercise for couples. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 19(3), 212-229. <https://doi.org/10.1080/15332691.2019.1687385>
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367. <https://doi.org/10.1177/1066480707303754>
- Prager, K. J. (2013). The dilemmas of intimacy: Conceptualization, assessment and treatment. New York: Brunner-Routledge.
- Pratkanis, A. R., Breckler, S. J., & Greenwald, A. G. (Eds.). (2014). Attitude structure and function. New York: Psychology Press.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 140(1), 140. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0031859>
- Royal, C. (2020). Friend and Spouse: Does the Level of a Close-knit, Same Sex Friend Affect Marital Intimacy?. Doctoral Dissertations and projects. The University of Liberty.
- Ruan, Y., Reis, H. T., Clark, M. S., Hirsch, J. L., & Bink, B. D. (2020). Can I tell you how I feel? Perceived partner responsiveness encourages emotional expression. *Emotion*, 20(3), 329. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000650>
- Santiago-Menendez, M., & Campbell, A. (2013). Sadness and anger: Boys, girls, and crying in adolescence. *Psychology of Men & Masculinity*, 14(4): 400-410. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0030661>
- Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of marital and family therapy*, 7(1), 47-60. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1981.tb01351.x>
- Tavakol, Z., Nikbakht Nasrabadi, A., Behboodi Moghadam, Z., Salehiniya, H., & Rezaei, E. (2017). A review of the factors associated with marital satisfaction. *Galen Medical Journal*, 6(3), 197-207. <https://doi.org/10.31661/gmj.v6i3.641>
- van Lankveld, J., Jacobs, N., Thewissen, V., Dewitte, M., & Verboon, P. (2018). The associations of intimacy and sexuality in daily life: Temporal dynamics and gender effects within romantic relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(4),

557-576. <https://doi.org/10.1177/0265407517743076>
Von Culin, K. R., Hirsch, J. L., & Clark, M. S. (2018). Willingness to express emotion depends upon perceiving partner care. *Cognition and Emotion*, 32(3), 641-650. <https://doi.org/10.1080/02699931.2017.1331906>

استناد به این مقاله: میرکاظم، نگار سادات، شریعتمدار، آسیه،، فرح‌بخش، کیومرث. (۱۴۰۴). مقایسه نگرش به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶۱(۱)، ۱-۳۲.
DOI: 10.22054/QCCPC.2023.72543.3076



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.